

کلاهبرداری

بموجب ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی هرکس بوسایل تقلبی متشبث شود برای آنکه مقداری از مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و بحکم قانون مجازات میشود:

تفاوت کلاهبرداری با دزدی این است که زیان دیده از جرم در این مورد مال خود را با رضای خود به شخص کلاهبردار واگذار مینماید در صورتیکه در بزه دزدی دزد مال وی را بدون رضایت او میرباید

تفاوت بزه مذکور با خیانت در امانت این است که در امانت زیان دیده از جرم مال خود را به شخصی که مورد اطمینان او است میسپارد در صورتیکه کلاهبردار با تشبث بوسایل تقلبی مال ویرا تصاحب مینماید .

در هر صورت چون موضوع کلاهبرداری و خیانت و دزدی بردن مال غیر بوسیله ای از وسایل میباشد جرائم مذکور در یک طبقه قرار گرفته اند
با توجه به تعریفی که ضمن ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی شده

« هرکس بوسایل تقلبی متشبث شود برای اینکه مقداری از مال دیگری را ببرد یا از راه حیله و تقلب مردم را بوجود شرکتهای یا تجارتخانهها و یا کارخانههای موهوم و امثال آن یا بداشتن اختیارات یا اعتبارات موهومه مغرور کند یا بامور غیر واقع امیدوار کند یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بفرساند و یا اسم و یا عنوان یا سمت مجعول اختیار نماید و یکی از طرق مزبوره وجوه یا اسناد و بلیطها و قبوض و مفاصا حساب و امثال آن بدسب آورد و از این راه مقداری از اموال دیگری را بخورد بحسب تادیبی از شش ماه تا دو سال و یا بتادیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان و یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد و ممکن است در صورت تکرار مرتکب را در مدت یک تا ۵ سال از اقامت در محل مخصوص منع نمود » عناصر تشکیل دهنده بزه کلاهبرداری عبارتند از :

- ۱ - تشبث بوسایل تقلبی
- ۲ - اخذ اسناد و اموال و وجود افراد در اثر بکار بردن وسایل تقلبی
- ۳ - وارد آوردن ضرر بغیر
- ۴ - سوء نیت

کلاهبرداری

تشبث بوسایل تقلبی

تشبث بوسایل تقلبی برای بردن مال غیرگاهی از طریق اختیار اسم یا عنوان معمول و گاهی دیگری از طریق تشبث بوسائل تقلبی انجام میگردد :

الف - اختیار اسم یا عنوان معمول : اختیار اسم یا عنوان معمول جهت انجام کلاهبرداری در صورتی است که بین اسم یا عنوان معمول و انجام کلاهبرداری رابطه در میان بوده و منجر به نتیجه گردد :

مثلاً فردی جهت انجام کلاهبرداری خود را بنام یکی از افراد معروف و یا یکی از سرمایه‌داران معرفی و با استفاده از اسم و عنوان معمول اطمینان مردم را بخود جلب نموده و اسوال آنان را کلاهبرداری نماید بنابراین صرف اختیار اسم یا عنوان معمول جهت انجام کلاهبرداری کافی نیست .

اختیار اسم معمول عبارت از اسمی است که متعلق بوی نباشد خواه یک نام فرضی روی خود بگذارد یا آنکه خود را بنام شخص ثالثی بنامد

استفاده از نام معمول چنانچه باعث اشتباه زبان دیده از جرم در هويت فاعل باشد نیز مشمول بند فوق است .

انتخاب لقب معمول :

لقب عبارت از عنوانی است که منسوب بفرد معینی بوده و از روز تولد و یا بنا بر شغل او بوی تفویض میگردد چنانچه فردی با اختیار لقب معمول اطمینان افراد را بخود جلب نموده و سر تکب کلاهبرداری گردد کلاهبردار محسوب و مطابق قانون مجازات میگردد .

مثال :

۱ - شخصی بنام معمول خود را به‌اسورین پست معرفی و امانت متعلق بغير را دریافت نماید همچنین در صورتیکه برخلاف واقع خود را نماینده فرد ثالثی معرفی و امانت متعلق بوی را دریافت و یا وجهی قرض نماید :

۲ - فردی برخلاف واقع خود را قاضی دادگستری یا افسر پلیس یا تعویل دار اداره نمایند و بدینوسیله اطمینان افراد را بخود جلب و وجهی دریافت نماید :

۳ - شخصی برخلاف واقع یکی از عناوین دانشگاه مانند دکتر در طب - دکتر در حقوق - دکتر داروسازی را روی خود گذارده و باین ترتیب اخذ وجه نماید :

۴ - فردی برخلاف واقع خود را وکیل دعاوی ، تاجر عمده فروشی ، بازرس اداره و بطور کلی عنوان معمولی انتخاب و با این مقدمه برای انجام کار حق الزحمه دریافت نماید :

۵ - فردی برخلاف واقع خود را پدرچند فرزند معرفی و بنام فرزندان معمول مدد معاش دریافت دارد :

کلاهبرداری

۶ - کارگری که مشغول کار بوده ضمناً نام خود را در جدول بیکاران ثبت نموده و بعنوان فرد بیکار مدد معاش دریافت نماید :

صرف انتخاب عنوان معمول کافی برای کلاهبرداری نیست .. مثلاً چنانچه شخصی خود را مالک دهات و کارخانجات معرفی نماید تا این حد دروغی بیش نگفته ولی در صورتیکه از این مقدمه بخواهد نتیجه گرفته و افراد را باعتبارات مذکور امیدوار و از این عنوان سوء استفاده نماید در اینصورت مجرم است .

انتخاب اسم و لقب معمول ممکن است کتبی باشد یا شفاهی - در صورت انتخاب اسم و عنوان کتبی عمل متهم علاوه بر کلاهبرداری ممکن است عنوان جعل نیز داشته باشد در صورت اخیر جرم واحد دارای عناوین متعدد بوده و طبق قانون مرتکب بعنوان جرمی که مجازات آن شدیدتر است قابل تعقیب میباشد بنا براین چنانچه پرونده در دادگاه جنحه مطرح باشد دادگاه مکلف است با صدور قرار عدم صلاحیت مراتب را جهت رسیدگی بدادگاه جنائی ارسال دارد .

(اختیار اسم یا عنوان یا لقب معمول در صورتی منجر کلاهبرداری میگردد که فردی بناحق شیئی که متعلق باو نیست اخذ نماید در سایر موارد عنصر اساسی کلاهبرداری تشبث بوسایل تقلبی است که بدینوسیله قاعلمطمینان افراد اسوال آنها را بدست بیاورد . اقدام بوسایل تقلبی بایست علنی بوده و با دستبندی و اسباب چینی ماهرانه انجام و در نتیجه کلاهبردار با تشبث به تقلب و تزویر صورت کار را اسری منطقی و اساسی جلوه دهد .

چنانچه فردی برخلاف واقع اسری را ادعا نماید و ادعای مذکور مکمل به تهیه مقدمات جهت بردن مال غیر نباشد دروغگوئی بیش نبوده و عمل مذکور را نمیتوان از جمله وسایل تقلبی دانست ولو آنکه ادعای مذکور کتبی باشد مثلاً چنانچه سردستاهلی با دختری بعنوان اینکه متأهل نیست رابطه برقرار نموده و بوی قول ازدواج داده باشد و بعداً معلوم شود شخص مذکور متأهل است همچنین چنانکه فردی برخلاف واقع خود را مالک املاک و مستقالات معرفی نموده خود را یکی از مستخدمین عالی رتبه وزارتخانه معرفی و باین ترتیب با دختری رابطه پیدا نموده و قصد ازدواج داشته باشد و بعد معلوم گردد دروغگوئی بیش نبوده اعمال مذکور جنبه جزائی نداشته جنبه حقوقی دارد .

تشبث بوسایل تقلبی بایست توام با اسری مادی و ظاهری بوده و بصورت اسری صحیح و منطقی جلوه گر گردد و وسایل تقلبی بطور مختلف ممکن است انجام گیرد بدین ترتیب :

- ۱ مثلاً شخصی که سهام شرکتها نزد وی بامانت گذارده خود را مالک سهام مذکور معرفی و بابت فروش سهام مذکور وجهی دریافت دارد :
- ۲ - فردی با ارائه نامه بانکی ادعا نماید که اعتبار معتابهی در بانک داشته و بدینوسیله با جلب اطمینان طرف وجوهی دریافت نماید :

کلاهبرداری

- ۳ - شخصی اسناد ساختگی به شرکت بیمه ارائه داده خسارتی دریافت دارد:
 - ۴ - شخصی فته‌طلبی را که باسضای فردی (که وجود ندارد در بازار فروش رسانه):
 - ۵ - تهیه گواهی‌نامه از طرف پدر که برخلاف واقع خود را دارای چند فرزند معرفی نموده و باین عنوان مدد معاش دریافت نماید :
 - ۶ - ارائه گواهی‌نامه طبیب از طرف کارگری با اداره برخلاف حقیقت برای اینکه چند روز بیمار بوده و حقوق ایام بیماری را برخلاف واقع دریافت دارد :
 - ۷ - مقاطعه کاری برخلاف حقیقت میزان انجام کار را بیش از حد مقرر نمایش داده و در نتیجه بهای انجام کاری که انجام نداده دریافت دارد .
- واضح است چنانچه برگ اسنادی جهت دریافت وجه کتبی باشد در اینجا جرم واحد دارای عناوین متعدد بوده و متهم از لحاظ جرمی که مجازات آن زیادتر است یعنی جعل قابل تعقیب قرار خواهد گرفت و دادگاه جنحه در این صورت موظف به صدور قرار عدم صلاحیت و ارسال پرونده بدادگاه جنائی است :
- تشبث بوسایل تقلبی ممکن است بوسیله افراد ثالث نیز تحقق یابد مثلاً فردی با تئانی کلاهبرداری خود را تاجر معرفی و با انجام معاملات حضوری معتنابه اطمینان افراد ثالث را جلب و کلاهبرداری نماید .
- صرفنظر از دخالت افراد ثالث و تهیه اسناد مجعول جهت کلاهبرداری تشبث بوسایل دیگری انجام باید بدین ترتیب :
- ۱ - تسلیم کیف پر از کاغذ بعنوان اینکه محتوی پول است یا بسته اسکناس که در روی آن دو قطعه اسکناس گذارده و بقیه آن کاغذ است بافرد در مقابل اسکناس یا اسناد بهادار (عمل مذکور را دزدی امریکائی مینامند) :
 - ۲ - امیدوار نمودن افراد بوجود شرکتها و کارخانجات موهوم و فروش سهام شرکت‌های مذکور :
 - ۳ - تاسیس و تشکیل دفتری بعنوان مرکز یا شعبه تجارتخانه جهت فروش اجناس موهوم و فروش اجناس مذکور :
 - ۴ - بگروگذازدن شیئی بدون ارزش بوسیله از وسایل :
 - ۵ - عمل بیمه‌گذار بعنوان اینکه اجناسی که بیمه بوده طعمه حریق قرار گرفته و خسارتی دریافت دارد در صورتیکه اصولاً حریقی واقع نشده و یا در صورت وقوع کلیه اموال ادعائی که خسارت آنها دریافت نموده نسوخته باشد و یا مقداری از اموال را در موقع حریق از محل خارج نموده و خسارات آنها دریافت دارد :
 - ۶ - دست زدن به کنتور برق در واقع مصرف برق را از میزانی که مصرف شده کمتر نشان دادن :
 - ۷ - بگریان گذاردن سکه‌های قلب طلا و تفره :

کلاهبرداری

- ۸ - چنانچه بوسیله اوسایل جنس فاسدی را صحیح جلوه داده و بفروش رسانند:
- ۹ - چنانچه فردی کارخانه که متعلق به شخص ثالثی است بکسی نشان داده و ادعا نماید مالک آن بوده و بدین ترتیب وجهی بابت فروش اجناس از وی دریافت دارد:
- ۱۰ - چنانچه فردی با دلایل برخلاف واقع بر علیه دیگری اقامه دعوی نموده و منجر به حکم محکومیت وی و غصب اموال او گردد (مثلاً قبض ثبتی که وجه آنرا دریافت و تسلیم بدهکار نموده اجرائیه صادر نماید) :
- ۱۱ - تهیه بیلان تجارتي برخلاف واقع که ضمن آن منافع سرشاری تعیین نموده برای فروش رساندن تجارتخانه یا کارخانه بقیمت گزاف به شخص ثالث :
- چنانچه شرکتهای تجارتي باتشبهت بوسایل تقلبی مرتکب اعمالی بضرر اشخاص گردند بموجب قوانین جزای فرانسه میتوان آنها را بعنوان کلاهبرداری تحت تعقیب قانونی قرار داد .
- مثلاً بموجب قانون ۸ اوت ۱۹۳۵ چنانچه شرکتهایی که به ثبت رسیده برخلاف واقع اعلاناتی صادر نمایند قابل تعقیب میباشند - اعلانات مذکور عبارتند از :
تسلیم و انتشار بیلان های برخلاف واقع ، تقسیم کوبین های فرضی بین صاحبان سهام - چنانچه شرکتی برخلاف واقع در بیلان و یا گزارش شرکت برخلاف واقع وجوهی جهت اکتشافات بحساب منظور و یا تمهد پرداخت آنرا نموده باشد .
- در بسیاری از مواد شرکتهای تجارتي مرتکب کلاهبرداری و جرایم دیگر میگردند مثلاً مدیران شرکتی بوسایل تقلبی تمهد پرداخت وجوهی بافرااد نمایند و یا برخلاف واقع بعنوان اینکه عملی انجام داده اند دستمزدی بآنها بپردازند . دیوانعالی کشور فرانسه اعمال ذیل را کلاهبرداری مینداند :
- ۱ - چنانچه فردی بوسایل تقلبی بنام مستعار شرکت یا کارخانه تشکیل و سهام آنرا بفروش رساند :
- ۲ - چنانچه شرکتی که سرمایه آن ناچیز است برخلاف واقع بعنوان اینکه دارای سرمایه کلی است شروع بفروش سهامی نماید که فاقد آن است :
- ۳ - منافع شرکت را برخلاف واقع در بیلان بالا بردن و بدین عنوان سبالی به صاحبان سود پرداخت نمودن :
- ۴ - پرداخت ظاهری منافع سهام شرکت به صاحبان سهام بعنوان کسب اعتبار فوق العاده مثلاً از بانک ها جهت شرکتی که استحقاق ندارد :
- ۵ - چنانچه شرکتی برخلاف واقع بعنوان اینکه سود زیادی برده منافع خود را ظاهراً تقسیم و بدین ترتیب اعتباری نموده سهام خود را بقیمت گزاف و بفروش رساند :
- ۶ - چنانچه شرکتی در بیلان با اعلاناتی که صادر مینماید برخلاف واقع وضع

کلاهبرداری

مالی خود را رضایتبخش نشان داده و یادخواست فروش سهام جدید نموده و بدین ترتیب سهام جدیدی انتشار و بفروش رساند و یا با استفاده از این اعلان بتواند کسب اعتباراتی جهت شرکت از اشخاص نماید :

۷ - تشکیل سندیکا جهت آنکه با سهولت شرکتی بتواند سهام بدون ارزش خود را بفروش رساند :

۸ - چنانکه شرکتی برخلاف واقع بوسیله اعلان سهام و یا منافع آنرا تضمین نماید در صورتیکه قادر بانجام تمهد خود نباشد :

۹ - چنانچه شرکتی ترازنامه برخلاف حقیقت منتشر و بدین وسیله سهام بی ارزش خود را بفروش رساند و یا بتواند از اشخاص ثالث بعنوان شرکت مبالغی قرض و یا مدیران شرکت بدین عنوان مبالغی برداشت نمایند (چنانچه در اساننامه بدانها حق داده شده باشد که حق دریافت صدی چند از منافع را دارند).

موضوع تشبث بوسائل قلبی

صرف تشبث بوسایل قلبی برای انجام کلاهبرداری کافی نیست بلکه تشبث بوسایل مذکور بایست جهت انجام امر معینی باشد مثلاً از راه حیله و تقلب مردم را بوجود شرکتها یا کارخانههای موهوم و یا بداشتن اختیارات یا اعتبارات موهوم مغرور کند و یا باسور غیرواقع امیدوار سازد.

امیدوار نمودن مردم بوجود کارخانه برخلاف حقیقت. لفظ کارخانه را بمعنی اعم بایست استعمال نمود نام مذکور شامل کارخانههای دستی، موتوری و بطور کلی کلیه کارگاههاییکه تولید اشیاء تجارتي مینمایند باید دانست که ممکن است جنبه تجارتي - صنعتی - یا فلاحتی داشته و یا مربوط به تهیه اشیاء جهت امور خیریه باشد.

در صورتیکه تشکیل شرکت یا تجارتخانه منوط به انجام تشریفات خاصی بوده و قبل از تشکیل قانونی شرکت با کارخانه شرکت با صدور آگهی تأسیس آنرا اعلان و وجوهی دریافت دارد (چون شرکت در واقع تشکیل نشده امیری را برخلاف حقیقت نمودار نموده) عمل مذکور کلاهبرداری است :

اعمال زیر طبق رویه دیوانعالی کشور فرانسه تشکیل شرکتها یا کارخانههای موهوم میباشد :

۱ - چنانچه شرکتی ضمن آگهی تشکیل شرکت بیمه اعلان و شرکت مذکور شروع به عمل نماید در صورتیکه طبق قانون تأسیس شرکت بیمه منوط بموافقت قبلی دولت و انجام مراسم خاصی است و تشریفات مذکور انجام نگردیده باشد :

۲ - چنانچه ضمن آگهی تشکیل تجارتخانه که وجود خارجی ندارد اعلان و سفارش تحویل اجناس را قبول و بدینوسیله سوء استفاده نماید :

۳ - چنانچه فردی بوسیله آگهی مردم را برخلاف واقع به تأسیس دارالتجزیه

کلاهبرداری

جهت انجام کارهای علمی امیدوارنموده و مبالغی بعنوان فروش سهام از مردم دریافت دارد؛ در تشکیل شرکتهای موهوم تشبث بوسایل تقلبی اغلب با امیدوار نمودن مردم به تشکیل کارخانه‌های موهوم تحقق مییابد خواه مردم را امیدوار به تشکیل کارخانه‌هایی برخلاف حقیقت نموده باشد و یا آنکه اعلان نموده باشد که کارخانه مذکور تشکیل و نتیجه کار کارخانه متوسط مییابد :

داشتن اختیارات یا اعتبارات موهوم :

در این مورد فاعل برخلاف واقع مردم را امیدوارداشتن نفوذ یا پست حساس اداری و یا داشتن سرمایه کافی برخلاف واقع نموده و بدینوسیله اموال یا اشیائی از آنان دریافت میدارد :

مثلاً چنانچه کسی ادعا نماید که در فلان دادگاه دارای نفوذ معنوی بوده و میتواند دادنامهٔ نفع فردی اخذ نماید و یا در ادارهٔ نظام وظیفه دارای نفوذ بوده و میتواند برای گرفتن برگ معافی نظام وظیفه او را دریافت و بدین عنوان وجوهی دریافت دارد ؛ چنانچه متهم در واقع دارای نفوذ بوده و بتواند امور مذکور را انجام دهد در اینصورت نابریده بعنوان کلاهبرداری قابل تعقیب نبوده بلکه بعنوان ارتشاه و اعمال نفوذ قابل تعقیب مییابد :

امیدوار نمودن مردم با اعتبارات موهوم

چنانچه فردی برای جلب اطمینان مردم با افراد بروات تقلبی ارائه داده و بدینوسیله اطمینان آنها را بداشتن اعتبارات موهوم جلب و یا برخلاف واقع خود را سرمایه دار معرفی و بدین عنوان وجوهی دریافت دارد .

عمل رمالها و فالگیران که مردم را بانجام امور موهوم امیدوار و با درج علائمی در روی کاغذ و خواندن ادعیه وجوهی دریافت میدارند نیز کلاهبرداری است ؛ چنانچه کارگری در مقابل تصادفات ناشیه از کار بیمه بوده و با بستن باند بر پا یا دست برخلاف واقع خود را بیمار معرفی و خسارتی از شرکت بیمه دریافت دارد عمل مذکور نیز کلاهبرداری است ؛

مردم را از حوادث یا پیش آمدهای غیر واقع امیدوار یا ترسانند

ترساندن یا امیدوار نمودن مردم به پیش آمدهای غیر واقع عمومیت داشته و شامل کلیه عوامل و تشبیهاتی است که منجر به باور نمودن افراد به تحقق امری غیر واقع گردیده و در نتیجه فاعل بعنوان اینکه قادر بجلوگیری از حوادث مذکور میباشد مقداری پول یا اشیاء یا اموال افراد را باین عنوان اخذ نماید ؛

با توجه به متن قانون تشبث بوسایل تقلبی شامل وسایل مختلف میگردد ؛

ممکن است فاعل افراد را امیدوار با سری غیر واقع نموده و با ویرا از انجام امری ترسانده و یا ویرا با اعتبارات موهوم امیدوار سازد ؛

کلاهبرداری

مثلاً تاجری مشتری را در خرید اشیاء در اشتباه اندازد بدین ترتیب که ضمن فروش اظهار دارد قیمت جنس خیلی ارزان بوده و چنانچه بخواهی آنرا بفروش رسانی بطور حتم نفع خواهی برد :

مخصوصاً در صورتیکه عملیات مذکور در فروش سهامی بکار رود که قیمت آن ساختگی و فرضی باشد :

همچنین تقلب در پرداخت چنانچه شخصی طلبکار را امیدوار به دریافت وجه نموده و بدهکار را متقاعد سازد که قرض خود را پرداخته است :

همچنین تقلب در بازی ورق بدین ترتیب که فردی ورق‌های بازی نشان نموده و فردی را وادار نماید با شخص دیگر که از معاوانین وی میباشد بازی نماید به عنوان اینکه شانس برد تو زیاد تر بوده و بدین وسیله با امیدوار نمودن وی باسور غیر واقع او را به بازی وادارد و پول او را از جیب وی خارج نماید. این بازی بیشتر در بازی خال بازی (خال سیاه و سفید) بکار میرود : Bonneteau

همچنین افرادی که بعنوان شفا دهنده (Guérisseur) با ذکر اورادی مریض را به شفا از مرض امیدوار ساخته و جوهی دریافت دارد :

همچنین ترساندن افراد با تاقمه دعاوی قرضی و یا امیدوار نمودن آنها را باز دواج و دریافت جوهی باین عنوان :

۴ - اخذ اسناد و اشیاء و اموال

منظور نهائی از تشبث بوسایل تقلبی اخذ اسناد و اشیاء و اموال اشخاصی است بهر صورتیکه انجام گیرد بنا بر این بایست رابطه سببیت بین تشبث بوسایل تقلبی و اخذ اموال و اشیاء در میان باشد (اخذ اموال در واقع پس از تشبث بوسایل تقلبی بدست میآید) :

اشیائی که ممکن است ضمن کلاهبرداری اخذ شود در ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی ذکر شده بنا بر این املاک غیر منقول را نمیتوان مورد کلاهبرداری قرار داد :

همچنین اشیائی که از لحاظ معنوی دارای ارزش بوده نمیتوان مورد کلاهبرداری قرار داد تفاوت در اینست که اشیاء مورد کلاهبرداری عاید شخص کلاهبردار یا فرد دیگری که معاون او میباشد یا شخص ثالث گردد آنچه مورد بحث است اینکه در اثر تشبث بوسایل تقلبی اموال فردی از تصرف وی خارج و به تصاحب کلاهبردار یا معاوانین او درآید :

ضمناً متذکر میشود که شروع بکلاهبرداری نیز طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی بزه بوده و قابل مجازات است.

بنا بر این همتیکه فردی جهت بردن مال غیر تشبث بوسایل تقلبی نموده و بر اثر پیش آمدی که اراده فاعل در آن دخالت نداشته موفق باخذ اموال نگردد مقدمات مذکور شروع بجرم تلقی و متهم باین عنوان مجازات میگردد :

کلاهبرداری

مثلاً شخصی انگشتر شیشه را برلیان معرفی و درصدد فروش آن برآمده درحین معامله بوسیله پلیس جلب گردد.

سوء نیت

آخرین عنصر تشکیل دهنده جرم سوء نیت است این امر از طرف متهم امری معلوم و برای قاضی امری مبهم است :

فاعل جرم فهمیده و سنجیده مرتکب عمل گردیده و بخوبی میداند اعمالی که جهت اخذ مال غیر مرتکب شده با سوء نیت بوده است در صورتیکه قاضی دادگستری مجبور است از روی اعمالی که مرتکب گردیده بی به سوء نیت یا بی تقصیری وی ببرد.

در هر صورت چنانچه در ضمن عمل معلوم و مسجل گردد که فردی بدون مجوز قانونی مال غیر را با تشبث بوسایل تقلبی اخذ نموده سوء نیت وی محرز است.

منظور نهائی انجام فعل مورد نظر نیست خواه منظور وی نفع شخصی باشد یا کمک به مؤسسات خیریه که در نظر داشته باشد ازین راه با تشبث بوسایل تقلبی وجوهی از مردم اخذ و از سرمایه مذکور استفاده نماید :

مجازات

ماده ۲۳۸ قانون کیفر همگانی مجازات افرادی که مرتکب کلاهبرداری نمایند تعیین نموده « شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی، تا پانصد تومان غرامت یا هر دو مجازات و در صورت تکرار اقامت اجباری از یک تا سه سال در محل معینی » :

قانون جزای فرانسه ضمن ماده ۴۰۵ مجازات کلاهبردار را یکسال تا سه سال حبس تأدیبی و ۱۲۰,۰۰۰ تا ۱,۲۰۰,۰۰۰ فرانک جریمه تعیین نموده و در صورتیکه متهم جرم مذکور را با توجه به کیفیات مشخصه انجام داده باشد مجازات وی دو سال تا ده سال حبس تأدیبی و ۱۰۰,۰۰۰ تا سه میلیون فرانک غرامت میباشد.

با توجه به از بین رفتن ارزش ریال در بیست ساله اخیر جادارد وزارت دادگستری جهت مبارزه با بزهکاران در میزان غرامتی که در قوانین ذکر شده تجدید نظر نموده و با تصویب قوانین جدید میزان غرامت دریافتی را تغییر دهد.